

مهاجرت بازگشتی دانشجویان ایرانی و تعیین کننده‌های آن: مطالعه‌ای در بین دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و کانادا

محمود مشفق^۱

عطیه نصری^۲

چکیده

مقاله حاضر به بررسی میزان تمایل به بازگشت ایرانیان در حال تحصیل در آمریکا و کانادا و عوامل مرتبط با آن می‌پردازد. با بهره‌گیری از چارچوب نظری که تلفیقی از مهمترین نظریات مهاجرت بازگشتی، رویکرد چندملیت‌گرایی، رویکرد ساختاری به مهاجرت بازگشتی و رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک بود، فرضیات پژوهش طراحی شد. این فرضیات، در رابطه با بررسی رابطه متغیر وابسته، یعنی میزان تمایل به بازگشت مهاجران و متغیرهای مستقل، یعنی شبکه ارتباطات فرد مهاجر در ایران، حس تعلق ملی و خانوادگی، نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ، میزان انطباق‌پذیری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با جامعه مقصد طراحی شدند و مورد آزمون قرار گرفتند. نمونه‌گیری این پژوهش به دلیل سختی دسترسی به جامعه آماری به صورت گلوله برفی انجام گرفت. در نهایت از میان ۱۷۷ نفر افراد نمونه، نتایج زیر به دست آمد. در میان عوامل اجتماعی، میزان انطباق‌پذیری اجتماعی و احساس تعلق ملی و خانوادگی، بیشترین میزان رابطه را با میزان تمایل به بازگشت داشتند و پس از آن به ترتیب، شبکه ارتباطات در ایران، و نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی جامعه مبدأ، بیشترین سهم را در تبیین میزان تمایل به بازگشت ایفا کردند. متغیرهای مستقل میزان انطباق‌پذیری اقتصادی و فرهنگی، دارای کمترین مقدار رابطه با متغیر وابسته پژوهش، یعنی میزان تمایل به بازگشت بودند.

واژگان کلیدی: مهاجرت بازگشتی، تمایل به بازگشت، انطباق‌پذیری، مهاجران در حال تحصیل، آمریکا و کانادا

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۲- کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی

مقدمه

تحصیل‌کردگان متخصص و دانشگاهی سرمایه‌های انسانی ارزشمندی هستند که می‌توانند، نقش بسیار مهمی در توسعه هر کشور داشته باشند. گروهی از جوانان ایرانی هر سال برای ادامه تحصیلات خود جذب دانشگاه‌های خارج می‌شوند و تخمین زده می‌شود که سالانه حدود یکصد و پنجاه هزار نفر از ایران خارج می‌شوند. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۹، جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مهاجرت نخبگان در میان ۹۱ کشور در حال توسعه یا توسعه‌نیافته جهان، مقام نخست را دارا بوده است. از سال ۲۰۰۹ به بعد هم این وضعیت روند صعودی داشته است (ترابی، ۱۳۹۳). طبق آمار رسمی سایت سرشماری ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۰، تعداد ۴۲۵۵۸۷ ایرانی در این کشور اقامت داشتند. در کشور کانادا در سال ۲۰۱۰، ۱۰۷۴۱۳ نفر ایرانی، سرشماری شده‌اند، که ۳۷ درصد این افراد دارای تحصیلات دانشگاهی هستند (مشفق، ۱۳۹۲). بسیاری از تحصیل‌کرده‌ها و نیروهای انسانی نخبه و متخصص ایرانی که بخشی از تحصیلات خود را در دانشگاه‌های خارج از کشور گذرانده‌اند، پس از پایان دوره تحصیل خود، در همان کشور مشغول به کار شده و به کشور مبدأ بازگشت نکرده‌اند. این میزان هدررفت سرمایه برای کشور مبدأ، بسیار زیان‌بار است. از آنجایی که بخش عمده‌ای از مهاجران ایرانی خارج از کشور را متخصصان و تحصیل‌کردگان تشکیل می‌دهند و بازگشت آنها به عنوان منبع عظیم سرمایه‌های انسانی، می‌تواند نقش مهمی در توسعه کشور ایفا کند، بازگشت متخصصان به عنوان یک دغدغه اصلی برای نظام مدیریتی و برنامه‌ریزی کشور تبدیل شده است. در سند برنامه پنجم توسعه کشور و بند دوازدهم سیاست‌های کلی نظام در زمینه جمعیت^۱، براهمیت بازگشت نخبگان به کشور تاکید شده است. در این بند، بر لزوم تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری در ایران و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان تاکید شده است.

هاس و فوکما (۲۰۱۱) در پژوهشی بر روی انگیزه‌های مهاجرت‌های بین‌المللی بازگشتی، کار کرده‌اند، آنها در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته‌اند که یکپارچگی فرد با کشور مقصد و تضعیف تعهدات بین‌المللی در همان زمان، احتمال بازگشت را کاهش می‌دهد. همچنین نیدومیسل و آمکوف (۲۰۱۱) در پژوهش خود در رابطه با انگیزه‌های مهاجرت بازگشتی داخلی در سوئد، بیان کرده‌اند که مهاجرت بازگشتی تا حد زیادی متأثر از ملاحظات اجتماعی است. همین‌طور رینولدز (۲۰۱۰) در پژوهشی بیان می‌کند که چگونه بندها و تعلقات چندملیتی خانوادگی و شبکه‌های اجتماعی به عنوان منابع سرمایه اجتماعی استفاده می‌شوند، تا مهاجرت بازگشتی را تسهیل کنند.

پژوهش‌های کمی در ایران به مساله بازگشت مهاجران ایرانی تحصیل‌کرده پرداخته‌اند (آل یاسین و همکاران (۱۳۹۳)، جمشیدیها، علیرضا (۱۳۸۱)، فروزنده تبریزی، نسترن (۱۳۹۲) و عبدالله پور، انور (۱۳۹۲)). اما از میان آن تعداد کم، مهمترین آنها پژوهشی است که شش نفر از دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا انجام داده‌اند که در طی آن ۴۵۰۰ ایرانی به سؤال‌هایی در خصوص انگیزه‌ها و موانع بازگشت به ایران پاسخ داده‌اند.

۱- تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان.

پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است، که میزان تمایل به بازگشت این مهاجران تحصیل کرده به کشور چقدر است و اینکه آیا این میزان تمایل به بازگشت، با عواملی همچون میزان انطباق پذیری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وی با جامعه مقصد، میزان حس تعلق وی به وطن و خانواده خود، نگرش وی به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ و شبکه ارتباطات وی در کشور مبدأ، ارتباط دارد یا خیر.

مبانی نظری و تجربی

مهاجرت بازگشتی

بر طبق تعریفی که سازمان ملل متحد، از مهاجرت بازگشتی ارائه می‌دهد، بازگشت‌کنندگان، آنهایی هستند که به کشوری که تابعیت آن را داشته‌اند و شهروند آن کشور به حساب می‌آمده‌اند، پس از یک دوره مهاجرت بین‌المللی (بلندمدت یا کوتاه‌مدت) به کشوری دیگر، باز می‌گردند، به این قصد که حداقل تا یک سال در کشور مبدأ اقامت کنند (مرکز آمار سازمان ملل متحد، سوئیس، ۲۰۰۸).

رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک

رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک، فرد مهاجر را به عنوان یک کنشگر عاقل در نظر می‌گیرد که به دنبال به حداکثر رساندن درآمدها و فرصت‌های شغلی خود، اقدام به مهاجرت می‌کند. بازگشت به کشور مبدأ، زمانی رخ می‌دهد که فرد مهاجر در رسیدن به خواسته‌هایش در فرایند مهاجرت خود، به دلیل محاسبات غلط یا دشواری‌های خارج از کشور، شکست می‌خورد (کاسارینو، ۲۰۰۴). در این دیدگاه، بازگشت یک شکست تلقی می‌شود. بازگشت‌کنندگان کسانی هستند که نتوانسته‌اند در کشور جدید موفق شوند. نام دیگر این پدیده، بازگشت شکست‌خوردگان است؛ یعنی بازگشت‌کنندگانی که قصد مهاجرت دائم داشتند، اما تصمیم به بازگشت گرفتند (ولیزارو، ۲۰۰۰ به نقل از کاسارینو، ۲۰۰۴).

رویکرد اقتصاد نوین مهاجرت کاری

بر طبق نظر کاسارینو (۲۰۰۴)، مهاجرت بازگشتی بخشی از یک «استراتژی محاسبه‌شده» و نتیجه طبیعی تجربه موفقیت‌آمیز فرد مهاجر در خارج از کشور است. با در نظر گرفتن و توجه به این نکته مهم که مهاجران، احتمالاً خانواده خود را در کشور مبدأ حمایت مالی می‌کنند (به طور مرتب برایشان پول می‌فرستند)، باید توجه داشت که تصمیم به مهاجرت و یا بازگشت، باید به عنوان تصمیم خانواده فرد مهاجر یا شبکه‌های اجتماعی اطراف او در نظر گرفته شود، نه یک تصمیم شخصی که خود فرد مهاجر می‌گیرد (پریس، ۲۰۰۸ به نقل از کاسارینو، ۲۰۰۴).

در رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک، سود باید به حداکثر برسد و در رویکرد اقتصاد نوین، یک هدف سودمند خاص در نقشه مهاجرت، تعریف شده که پس از دستیابی به آن هدف، مهاجر

آزاد است که به خانه برگردد. طول دوره مهاجرت، بستگی به مدت زمانی دارد که مهاجر نیاز دارد که به هدفش دست پیدا کند (ولیزارو، ۲۰۰۰ به نقل از کاسارینو).

رویکرد ساختاری به مهاجرت بازگشتی

براساس این رویکرد، بازگشت تنها یک مساله شخصی نیست، بلکه یک مساله اجتماعی و زیربنایی است، که از عوامل ساختاری و موقعیتی تاثیر می‌پذیرد. نظریه ساختاری این‌طور بحث می‌کند که بازگشت، تنها با ارجاع به تجربه‌های فردی فرد مهاجر، تحلیل نمی‌شود، بلکه به عوامل اجتماعی و نهادی در کشور مبدا هم مرتبط است.

همانند رویکرد اقتصاد نوین، رویکرد ساختاری به مهاجرت بازگشتی، نشان می‌دهد که چقدر تصمیم به بازگشت و یکپارچگی مجدد فرد مهاجر، برای منابع مالی و اقتصادی که به کشورهای مبدا بازگردانده می‌شوند، مهم و حیاتی است. موفقیت یا شکست مهاجران بازگشته به وسیله سنجش میزان همبستگی میان واقعیت اقتصاد کشور مبدا و جامعه مبدا با انتظارات مهاجران بازگشته، تحلیل می‌شود. سراس (۱۹۷۴) پنج نوع متفاوت از مهاجران بازگشتی را با تاکید بر آرزوها، انتظارات و نیازهای آنها شناسایی می‌کند:

یک. بازگشت شکست‌خوردگان^۲: به بازگشت‌کنندگانی اطلاق می‌شود که نتوانسته‌اند با کشورهای میزبان (مقصد) به خاطر تعصبات و تصورات قالبی که درباره خارج از کشور در ذهن داشته‌اند، یکی شوند. مشکلات آنها در به‌دست آوردن یک نقش فعال در جوامع مقصد یا سازگار کردن خود با جوامع میزبان به قدر کافی قوی بوده که آنها را متقاعد به بازگشت کند.

دو. بازگشت محافظه‌کاران^۳: مهاجرانی را شامل می‌شود که بعد از مهاجرت کردن، با پول کافی برای خریدن زمین و با این نگاه که خود را از زیر سلطه ظالمانه صاحبان زمین آزاد کنند، تصمیم به بازگشت به خانه را داشته‌اند. به خاطر این آرزوها و رویکردهای بلندمدت، بازگشت‌کنندگان محافظه‌کار، تنها درصدد برطرف کردن نیازهای شخصی خود و بستگان خود هستند. بازگشت‌کنندگان محافظه‌کار، هیچ هدفی برای ایجاد تغییر در زمینه‌های اجتماعی در کشور مبدا ندارند، برعکس آنها سعی در حفظ وضع موجود هم دارند.

سه. بازگشت بازنشستگان^۴: مهاجران بازنشسته‌ای را شامل می‌شود که تصمیم به بازگشت به کشورهای خود را دارند، تا زمین یا خانه‌ای داشته باشند که بقیه دوران پیری خود را در آنجا بگذرانند.

چهار. بازگشت نوآوران^۵: بی‌شک این گروه پویاترین دسته از بازگشت‌کنندگان در تیپ‌شناسی سراس هستند. این دسته، به بازیگرانی اطلاق می‌شود که آماده شده‌اند، تا از تمام امکانات و توانایی‌های جدید که در دوران مهاجرت خود کسب کرده‌اند، استفاده کنند، با این نگاه که به

1. Cerase
2. Return of failure
3. Return of conservatism
4. Return of retirement
5. Return of innovation

اهداف خود در کشورهای مبدا خودشان دست بیابند. کشورهای مبداء‌ی که فرصت‌های بهتر و بیشتری برای ارضای انتظارات آنها برایشان فراهم کرده‌اند. یک تیپ پنجمی هم بر اساس رویکرد اقتصاد نوین مهاجرت کاری، تعریف شده که به این شرح است:

بازگشت شخصی/ اجتماعی^۱: در این گروه از بازگشت‌کنندگان، تصمیم به بازگشت عمدتاً تحت‌تاثیر جنبه‌های شخصی و احساسی فرد مهاجر است (مشکلات سلامت، ازدواج، تولد فرزندان، پیوستگی به شهر و منطقه زندگی در کشور مبداء، تمایل به زندگی در نزدیکی خانواده و دوستان، دارایی‌ها/ ارث و میراث).

تیپ‌شناسی سراسر، درباره بازگشت‌کنندگان به طور واضح، تلاشی برای نشان‌دادن این است، که با در نظر گرفتن عوامل زمینه‌ای و موقعیتی در کشورهای مبداء به عنوان زمینه‌ای برای تصمیم‌گیری برای بازگشت، این تجربه‌های بازگشت موفقیت آمیز یا ناموفق بوده است.

چند سال بعد، یک بررسی توسط جورج جی‌ملش (۱۹۸۰) بر روی تیپ‌شناسی سراسر، صورت گرفت. این بررسی بر همبستگی میان نیت‌های مهاجران^۳، برای بازگشت با انگیزه‌های^۴ آنها برای بازگشت تاکید می‌کرد. نیت‌ها و مقاصد برای بازگشت چه واقعی و چه در نظر گرفته شده، انتظارات بازگشت‌کنندگان در کشورهای مبدا را شکل می‌دهد. به نظر می‌رسد که بازگشت به وسیله فرصت‌هایی که مهاجران انتظار دارند در کشور مبداء به دست آورند و همچنین به وسیله فرصت‌هایی که در حال حاضر در کشورهای میزبان به آنها داده شده است، هدایت می‌شود. براساس نظر جی‌ملش، از آنجایی که عوامل ساختاری و موقعیتی، تأثیری مهم بر تصمیم‌گیری در بازگشت مهاجران دارند، تصمیم به بازگشت، نمی‌تواند با برنامه‌ریزی و درستی پیش رود. زیرا این عوامل موقعیتی (در مبدأ و مقصد) نیاز دارند که توسط مهاجران، شخصاً مورد بررسی قرار گیرند. با توجه به این واقعیت که برای آنها جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای بازگشتی مطمئن و به دست آوردن آگاهی‌های بهتر درباره تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در کشورهای مبدأ رخ داده است، بسیار دشوار است (کاسارینو، ۲۰۰۴). در این رویکرد، بازگشت تنها به تجربه فردی مهاجر وابسته نیست، بلکه به وضعیت نهادی و اجتماعی کشور مبدا هم بستگی دارد.

کینگ^۵ (۱۹۸۶)، دسته‌بندی خاص‌تری نسبت به آنچه جی‌ملش، در مورد بازگشت‌کنندگان شکست‌خورده ارائه کرده، ارائه می‌دهد، که در این دسته‌بندی تفاوتی بین شرایط کشور مبداء، قبل و بعد از مهاجرت فرد، قائل می‌شود، به طوری که در این میان، انگیزه اولیه فرد مهاجر برای مهاجرت دائمی دست‌خوش تغییر می‌شود. او سه دلیل مختلف برای بازگشت در نظر می‌گیرد:

1. Private/social return
2. Gmelch
3. Intentions
4. Motivations
- 6-King

۱. بازگشت اجباری: هنگامی رخ می‌دهد که فرد مهاجر شغل خود را از دست می‌دهد یا مشکلی برای خانواده‌اش در کشور مبدا ایجاد می‌شود. ۲. نوستالژیک: که آن را بازگشت شکست‌خوردگان در نظر می‌گیرد و ۳. موقعیت بهتر در خانه: که در غیاب فرد مهاجر اتفاق می‌افتد. جی‌ملش، مشاهدات مهمی درباره شرایطی که در آن انتظارات از کشور مبدا در مواجهه فرد با کشور مبدا (پس از بازگشت) برآورده نمی‌شوند، انجام داده است.

بر طبق این مشاهدات، اگر موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشور مبدا با انتظارات فرد مهاجر یکی نباشد، فرد در پیوستگی‌اش با کشور مبدا دچار مشکل شده و ممکن است که این عدم پیوستگی منجر به تصمیم به مهاجرت دوباره او شود. چنین موقعیتی، پایداری بازگشت را مورد تردید قرار می‌دهد (کینگ، ۱۹۸۶ به نقل از ولیزارو، ۲۰۱۱).

رویکرد چندملیت‌گرایی

رویکرد چندملیت‌گرایی، تلاشی برای ساختن یک چارچوب نظری و مفهومی با هدف فهم بهتر ارتباط قوی اجتماعی و اقتصادی بین مهاجران در کشورهای مبدا و مقصد صورت داده است. فعالیت‌های چندملیتی، بر طبق نظر الخاندرو پورتس (۲۰۰۱)، به وسیله تماس‌های منظم و پایدار اجتماعی در طول زمان، بین مرزهای ملی صورت گرفته است. این رویکرد توضیح می‌دهد که چنین فعالیت‌هایی، چقدر می‌تواند بر روی هویت‌های مهاجران تاثیرگذار باشد.

برخلاف ساختارگرایان و نظریه‌پردازان اقتصاد نوین، در این رویکرد، بازگشت، پایانی برای چرخه مهاجرت نیست. در رویکرد چندملیت‌گرایی، داستان مهاجرت ادامه پیدا می‌کند. مهاجرت بازگشتی، بخشی از سیستم چرخه‌ای ارتباطات و دادوستدهای اجتماعی و اقتصادی است که یکپارچگی مجدد مهاجران را در زمانی که در حال جستجوی دانش، اطلاعات و عضویت هستند، را تسهیل می‌کند.

یکی از مهمترین تفاوت‌ها، میان چندملیت‌گرایی و ساختارگرایی در زیر این واقعیت قرار دارد که برطبق نگاه چندملیت‌گراها، بازگشت‌کنندگان، خود را برای یکپارچگی مجدد با کشور مبدا از طریق دیدارهای منظم و متناوب از کشور مبدا آماده می‌کنند. آنها پیوندهای قوی با خانه برقرار می‌کنند و پیوسته و به صورت متناوب برای خانواده‌هایشان پول می‌فرستند.

مهاجران، به عنوان دارندگان ظرفیت پیدا کردن جایگاه خود در جامعه چه در کشور مبدا و چه در کشور مقصد، در نظر گرفته می‌شوند، با این نگاه که عضوی از این جوامع شوند.

برخلاف نظر ساختارگرایان که ترجیح می‌دهند، درباره سازگاری صحبت کنند، چندملیت‌گراها، نیاز به انطباق در هنگام بازگشت به خانه را مورد توجه قرار می‌دهند. فرایند انطباق، جداسدن از هویت‌های کسب‌شده در کشور مقصد را به دنبال ندارد، با پذیرفتن این مهم، بازگشت‌کنندگان با مشکلات یکپارچگی مجدد، در دو سطح اجتماعی و حرفه‌ای مواجه هستند. اگرچه همانطور که در بالا اشاره شد، تماس‌های منظمی که آنها با خانواده‌های خود در مبدا دارند، همان‌طور که جابه‌جایی‌های رفت و برگشتی که تحرک چندملیتی را باعث می‌گردد، اجازه می‌دهد که بازگشت آنها، بهتر آماده‌سازی و سازمان‌دهی شود (کاسارینو، ۲۰۰۴).

در سال‌های اخیر، رویکرد چندملیتی‌گرایی - مهاجرت در بستر جهانی - رویکردی بسیار پرتفردار بوده است. برطبق این رویکرد، مهاجران بازگشته، پیوستگی مجدد خود را با خانه به وسیله دیدارهای منظم و متناوب از کشور مبداء تسهیل می‌کنند (ولیزاروا، ۲۰۰۰ به نقل از کاسارینو، ۲۰۰۴).

پیشینه

آل یاسین و همکاران (۱۳۹۳) طی یک نظرسنجی از حدود ۴۵۰۰ ایرانی مهاجر در خارج از کشور، به شناسایی موانع و انگیزه‌های بازگشت به ایران پرداختند. این مطالعه آماری، توسط ۶ نفر از دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های خارج از ایران انجام شده و هدف آن ایجاد تصویری دقیق‌تر از انگیزه‌ها و موانع بازگشت به ایران بوده است. در بخش موانع، نتایج به این صورت بود که به ترتیب مشکلات فرهنگی-اجتماعی، مشکلات اقتصادی، مشکلات شغلی، مشکلات سیاسی و مشکلات شخصی، مهمترین موانع بازگشت از سوی پاسخگویان شمرده شدند. در بخش انگیزه‌های بازگشت، به ترتیب دلایل شخصی، ملاحظات شغلی، احساس وظیفه به ایران، دلایل فرهنگی و اجتماعی، مهمترین انگیزه‌ها برای بازگشت شناسایی شدند. حدود ۲۲ درصد از پاسخگویان، عنوان کرده‌اند که اصلاً محتمل نیست که در پنج سال آینده به ایران بازگردند و حدود ۶ درصد هم، بیان کرده‌اند که تا پنج سال آینده، حتماً به ایران بازخواهند گشت. بقیه در وسط این طیف قرار داشتند.

عبدالله‌پور، انور (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان تمایل به بازگشت مهاجران عراقی به عراق و عوامل مرتبط با آن در شهرستان پیرانشهر، به بررسی سازگاری اجتماعی مهاجران عراقی در جامعه میزبان (پیرانشهر)، پرداخته است. در این پژوهش، رابطه میان میزان انطباق اجتماعی و فرهنگی مهاجران و نگرش به جاذبه و دافعه با میزان تمایل به بازگشت مهاجران به مبداء، ارزیابی شده است. یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند که مهاجران از نظر میزان انطباق اجتماعی و فرهنگی با جامعه مبداء، در سطح متوسط رو به بالایی قرار دارند. همچنین شبکه‌های ارتباطی، مهمترین نقش را در مهاجرت عراقی‌ها به جامعه میزبان ایفا کرده‌اند. از سوی دیگر، وجود رابطه میان میزان انطباق مهاجران با جامعه مقصد، با میزان تمایل به بازگشت مهاجران به مبداء تایید شده است.

در پژوهشی با عنوان «تأثیرات انطباق و تعلقات چندملیتی بر روی انگیزه‌های مهاجرت‌های بین‌المللی بازگشتی»، هاس و فوکما^۱ (۲۰۱۱) بیان می‌کنند، درحالی‌که مهاجرت بازگشتی، توجهات رو به افزایشی را به خود جلب کرده است، هنوز درک ناکارآمدی از عوامل تعیین‌کننده انگیزه‌ها و تصمیمات مهاجران، برای بازگشت وجود دارد. اغلب پنداشته می‌شود که یکپارچگی فرد با کشور مقصد و تضعیف تعهدات بین‌المللی در همان زمان، احتمال بازگشت را کاهش می‌دهد. با این وجود، بنابر تفاسیر نظری جایگزین، مهاجرت بازگشتی همچنین می‌تواند، نتیجه یکپارچگی موفقیت‌آمیز فرد مهاجر در کشور مقصد هم باشد. نتایج این تحلیل اشاره می‌کند که

یکپارچگی فرهنگی و اجتماعی تأثیر منفی بر انگیزه‌های مهاجرت بازگشتی دارد، در حالی که تأثیر یکپارچگی اقتصادی و تعهدات بین‌المللی میهم تر است و در برخی اوقات تأثیر مثبت دارد. در پژوهشی دیگر، با عنوان «روابط خانوادگی چندملیتی، شبکه‌های اجتماعی و مهاجرت بازگشتی در میان جوانان انگلیسی-کارائیبی» رینولدز^۱ (۲۰۱۰)، بیان می‌کند که چگونه بندها و تعلقات چندملیتی خانوادگی و شبکه‌های اجتماعی، به عنوان منابع سرمایه اجتماعی استفاده می‌شوند، تا مهاجرت این جوانان را از انگلستان به کارائیب - سرزمین مادری خود - تسهیل کنند. ترکیبی از ویژگی‌هایی همچون دانستن هویت قومی، خانه و احساس تعلق، همچنین عوامل مهمی هستند که بر روی تصمیم این جوانان برای بازگشت به کارائیب تأثیر می‌گذارند.

لو، ژانگ و شیسسل^۲ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «ماندن یا بازگشتن: انگیزه‌های مهاجرت دانشجویان جمهوری خلق چین ساکن در کانادا»، تلاشی صورت داده‌اند، برای شناسایی عواملی که انگیزه‌های بازگشت این مهاجران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌ها، تأثیرات مهم ویژگی‌های جمعیتی دانشجویان، ویژگی‌های قبل از مهاجرت آنها، تجربه‌هایی که در کانادا به دست آورده‌اند، انتظارات والدینشان و همین‌طور عوامل جاه‌طلبانه را تایید می‌کند. در پرتو این یافته‌ها، در می‌یابیم که انطباق و یکپارچگی احساسی و اجتماعی فرد، به اندازه انطباق اقتصادی در تسهیل انگیزه‌های ساکنان موقت برای ماندن مهم هستند.

در پژوهش دیگری با عنوان «مهاجرت بازگشتی: تئوری و شواهد تجربی از انگلستان»، داستمن و ویس^۳ (۲۰۰۷) سه انگیزه مهاجران را برای بازگشت با وجود داشتن دستمزد بالا در کشور میزبان، شناسایی کرده‌اند: ۱. تفاوت در قیمت‌ها و هزینه‌های نسبی زندگی در کشور مبدا و مقصد ۲. ناسازگاری میان مصرف و مکانی که مصرف صورت می‌گیرد و ۳. امکان انباشت سرمایه انسانی در خارج از کشور که ظرفیت درآمدی مهاجران را به هنگام بازگشت به خانه افزایش می‌دهد.

آرولو^۴ (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «مهاجرت بازگشتی و مسئله یکپارچگی مجدد»، رویکردی برنامه‌ای برای دستیابی به یکپارچگی مجدد در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و در تمامی طبقه‌بندی مهاجران بازگشتی پیشنهاد می‌کند. او چنین بحث می‌کند که از آنجایی که مهاجران پیشین، کسانی که به کشور خودشان بازگشته‌اند، دیگر مهاجر محسوب نمی‌شوند، برخی از نهادهای دولتی نیاز دارند، تا پذیرش و فراهم کردن کمک‌ها برای بازگشت‌کنندگان را سازماندهی کنند. اما بدون برنامه‌ریزی بلندمدت، کمیته‌های تک‌منظوره - به عنوان تسهیل‌گران کارآمد، در فرایند یکپارچگی مجدد- توانمند نیستند. این مقاله، لیستی از عناصر اصلی لازم برای برنامه یکپارچگی مجدد موثر پیشنهاد می‌کند و بحث می‌کند که حکومت‌ها باید بر سازوکار نهادی مدیریت برنامه، نظیر: ایجاد نهاد مسئول و یا نهادهای مسئول، تمرکز کنند. ساختار مدیریت، باید در وزارت برنامه‌ریزی ملی دولت پایه‌ریزی شود. تشکیل یک سازوکار موثر احتمالاً

1-Reynolds

2-Zong and Scissel

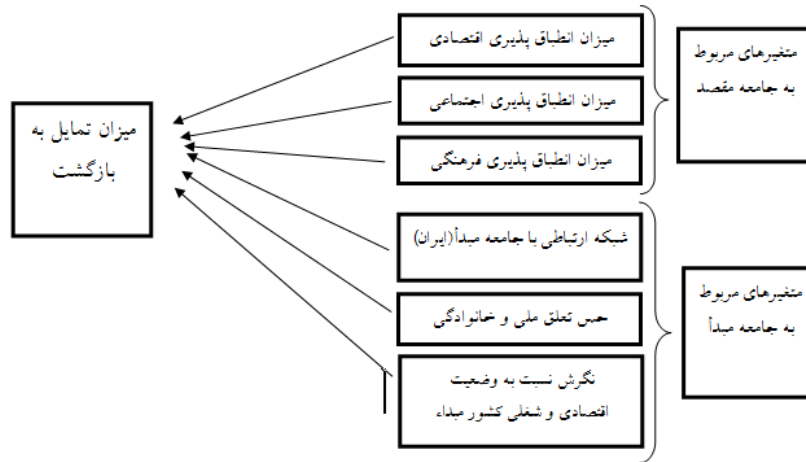
3-Dustmann, Weiss

4-Arowolo

به شرکت‌کنندگان اعتماد کافی را می‌دهد و «بازگشت به وطن» بیش از این به عنوان کابوسی برای بازگشت‌کنندگان بالقوه که در تلاش برای یکپارچگی مجدد هستند، نخواهد بود. دیوید لیندستروم^۱ (۱۹۹۶) در پژوهشی با عنوان «فرصت‌های اقتصادی در مکزیک و مهاجرت بازرگانی از ایالات متحده»، تاثیر ویژگی‌های اقتصادی جامعه مبدا (مکزیک) را بر روی مدت‌زمان مهاجرت مهاجران مکزیک ساکن در آمریکا تحلیل کرده است. او چنین بحث کرده که مهاجرانی که از مناطقی اقتصاد پویا از مکزیک مهاجرت کرده‌اند و از فرصت‌های اشتغال بالا و سرمایه برخوردارند، انگیزه کمتری برای بیشتر ماندن در ایالات متحده دارند و حاضر به تحمل هزینه‌های روانی جدایی از خانواده و دوستان خود نیستند. در حالی که مهاجرانی که از مناطقی از مکزیک آمده‌اند که اقتصاد ساکن و ایستایی دارد و استفاده مفید از سرمایه و تولید به طرز چشم‌گیری محدود است، چنین نیستند و بیشتر در آمریکا می‌مانند. با توجه به این یافته‌ها، چنین نتیجه گرفته می‌شود که میان فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای مهاجران در کشور مبدا و مدت‌زمان ماندن آنها در کشور مقصد، رابطه مستقیمی وجود دارد. لب مطلب این پژوهش این است که ویژگی‌های اقتصادی کشور مبدا، بر روی انگیزه‌ها و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت مهاجران مکزیک در ایالات متحده برای ماندن یا بازگشتن، تاثیر می‌گذارد.

مدل تحقیق

در مدل پژوهش که در شکل شماره ۲-۱ نشان داده شده است، نوع ارتباط متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته آورده شده است. متغیرهای مستقل عبارتند از، شبکه ارتباطات فرد مهاجر با ایران، نگرش وی نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی در کشور مبدا، احساس تعلق ملی و خانوادگی فرد، میزان انطباق پذیری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وی با جامعه مقصد و متغیر وابسته این پژوهش میزان تمایل به بازگشت به کشور مبدا (ایران) می‌باشد.



روش شناسی

در این پژوهش، از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه اینترنتی استفاده شده است. نمونه‌آماري شامل ۱۷۷ نفر از دانشجویان ایرانی ساکن آمریکا و کانادا هستند که به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند. در مورد حجم نمونه با توجه به اینکه نمونه به اشباع نظری رسیده بود، به همین مقدار بسنده شد. روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی^۱ یا زنجیره‌ای، روش مشخص نمونه‌گیری آسانی است که کاربرد ویژه آن در انجام تحقیقات گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده، اثبات شده‌است. این روش عموماً برای مکان‌سنجی، ارزیابی و در برگیری کسانی از یک جمعیت مشخص، در مواردی که محقق، مشکلاتی را در ایجاد نمونه معرف برای جامعه تحقیقش داشته باشد، استفاده می‌شود. همچنین روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی، موثرترین روش برای دستیابی به جمعیت‌های پنهان و جمعیت‌هایی که دسترسی به آنها دشوار است، می‌باشد.

1-Snowball sampling

فرضیات تحقیق

متغیر وابسته پژوهش، میزان تمایل به بازگشت به کشور مبدأ و متغیرهای مستقل، شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ (ایران)، نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ، احساس تعلق ملی و خانوادگی و میزان انطباق پذیری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با کشور مقصد هستند و فرضیات پژوهش عبارتند از:

بین میزان تمایل به بازگشت مهاجران تحصیل کرده خارج از کشور و شبکه ارتباطی فرد مهاجر با جامعه مبدأ (ایران) رابطه وجود دارد.

بین میزان تمایل به مهاجرت بازگشتی و احساس تعلق ملی و خانوادگی وی رابطه مستقیم وجود دارد.

بین میزان تمایل به مهاجرت بازگشتی و نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ رابطه مستقیم وجود دارد.

بین میزان تمایل به مهاجرت بازگشتی و میزان انطباق پذیری اقتصادی با جامعه مقصد رابطه معکوس وجود دارد.

بین میزان تمایل به مهاجرت بازگشتی و میزان انطباق پذیری اجتماعی با جامعه مقصد رابطه مستقیم وجود دارد.

بین میزان تمایل به مهاجرت بازگشتی و میزان انطباق پذیری فرهنگی وی با جامعه مقصد رابطه معکوس وجود دارد.

استفاده از روش تحلیل عاملی برای سنجش اعتبار ابزار اندازه گیری
برای سنجش اعتبار ابزار اندازه گیری، از روش تحلیل عاملی استفاده شده که نتایج آن برای هر یک
از مقیاس‌ها، در جدول ۲ آمده است.

جدول (۲): مقادیر آزمون کیزر میر در تعیین میزان اعتبار مقیاس‌های ساخته شده

| مقیاس | سطح سنجش | گویه‌های تأیید شده | آزمون کیزر میر |
|---|----------|--|----------------|
| میزان تمایل به بازگشت | ترتیبی | قصد دارم/ داشتم در همین کشور اقامت دائم بگیرم. قصد دارم در آینده نزدیک به ایران برگردم. قطعا به ایران بر نمی‌گردم. | ۰,۷۰۳ |
| شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ(ایران) | ترتیبی | اخبار را بیشتر از منابع خبری داخل ایران دنبال می‌کنم. تا حد زیادی از اخبار مربوط به ایران مطلع هستم. خانواده و دوستان نزدیکم از من می‌خواهند که به ایران برگردم | ۰,۴۸۰ |
| نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ | ترتیبی | احساس می‌کنم پس از بازگشت شغل مناسب و مرتبط با رشته‌ام را پیدا نمی‌کنم. احساس می‌کنم پس از بازگشت، درآمد مناسب و مطلوبی در سطحی که الان دارم نخواهم داشت. احساس می‌کنم پس از بازگشت به ایران، در رابطه با مسائل زندگی شخصی‌ام مورد سوال قرار می‌گیرم. در صورت بازگشت، احتمال می‌دهم که شغلی در سطح شغل فعلی داشته باشم. در صورت بازگشت، احتمال می‌دهم که درآمدی در سطح درآمد فعلی داشته باشم. در صورت بازگشت، مقدار زمان زیادی برای پیدا کردن شغل مناسب باید صرف کنم. | ۰,۷۰۳ |
| احساس تعلق ملی و خانوادگی | ترتیبی | در جمع خارجی‌ها (دوستان یا همکاران)، خودم را یکی از آنها حس می‌کنم. در هر بار سفر به ایران به بازگشت به ایران فکر می‌کنم. از اینکه دور از خانواده خود (پدر، مادر، خواهر و برادر) هستم احساس دلنگی می‌کنم. آرزو می‌کنم خانواده‌ام در کنار من بودند. با دوستان خارجی‌ام درباره خوبی‌های ایران صحبت می‌کنم. از بودن در کنار خارجی‌ها احساس راحتی می‌کنم. | ۰,۶۴۱ |
| انطباق پذیری اقتصادی | ترتیبی | از مرتبه شغلی خود راضی هستم. در خارج از کشور به هر موقعیت شغلی که بخواهم می‌توانم دست پیدا کنم. از درآمد خود راضی هستم. امکان پس‌انداز برابرم وجود دارد. از بیمه خوبی برخوردارم. از خدمات رفاهی خوبی برخوردارم. | ۰,۷۵۱ |
| انطباق پذیری اجتماعی | ترتیبی | دوستان خارجی بهتر از دوستان ایرانی هستند. تعداد دوستان خارجی‌ام بیشتر از تعداد دوستان ایرانی‌ام است. گرفتن تابعیت کشور مقصد آرزوی من بوده است. احساس می‌کنم از نظر رتبه اجتماعی در خارج از کشور ترقی کرده‌ام. | ۰,۵۶۲ |
| انطباق پذیری فرهنگی | ترتیبی | در انجمن‌های فرهنگی - اجتماعی جامعه مقصد عضو هستم. فرزندم را به مهدکودک/ مدرسه خارجی می‌فرستم/ خواهم فرستاد. به نظرم خارجی‌ها انسان‌های خوب و شریفی هستند. به نظرم آداب و رسوم جالب و خوبی دارند. مناسبت‌های مذهبی مانند ایام محرم، ماه رمضان و اعیاد را با اعضای خانواده یا دوستان مسلمان برگزار می‌کنم/ شرکت می‌کنم. تا حد خوبی با تاریخ کشور مقصد آشنایی دارم. دوست دارم در مراسم آنها شرکت کنم (کریسمس، هالوین، عید شکرگزاری، روزاستقلال و ...) در هنگام شرکت در مراسم آنها احساس می‌کنم من هم جزئی از آنها هستم. | ۰,۷۱۰ |

استفاده از روش آلفای کرونباخ^۱ برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج آن برای هر یک از مقیاس‌ها، در جدول ۳ آمده است.

جدول (۳): مقادیر آلفا برای سنجش پایایی مقیاس‌ها

| مقدار آلفا | مقیاس |
|------------|---|
| ۰,۸۰۴ | میزان تمایل به بازگشت |
| ۰,۳۲۶ | شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ (ایران) |
| ۰,۷۱۴ | نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ |
| ۰,۶۷۶ | احساس تعلق ملی و خانوادگی |
| ۰,۸۰۱ | انطباق پذیری اقتصادی |
| ۰,۵۳۷ | انطباق پذیری اجتماعی |
| ۰,۶۷۱ | انطباق پذیری فرهنگی |

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و مهاجرتی پاسخ‌گویان

در بین ۱۷۷ نمونه پاسخ‌گویان، از نظر توزیع سنی نمونه، ۱۱,۳ درصد در گروه ۱۸ تا ۲۴ سال، ۶۵,۵ درصد در گروه سنی ۲۵ تا ۳۱ سال، ۱۶,۴ درصد در گروه ۳۲ تا ۳۸ سال و ۵,۴ درصد ۳۹ سال و بالاتر بودند. بیشترین فراوانی متعلق به ۳۱-۲۵ ساله‌ها است. ۴۴,۶ درصد از نمونه را مردان و ۵۵,۴ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. ۷۰,۱ درصد از نمونه در کشور آمریکا و ۲۸,۸ درصد در کشور کانادا زندگی و تحصیل می‌کنند.

از نظر میزان تحصیلات قبل و پس از مهاجرت، نتایج حاصله به این شرح بود. قبل از مهاجرت، ۵,۶ درصد نمونه آماری دارای سطح تحصیلات کمتر از لیسانس، ۵۲,۵ درصد کارشناسی، ۳۷,۳ درصد کارشناسی ارشد و ۴ درصد از نمونه دارای تحصیلات دکتری بودند. وضعیت تحصیلی مهاجران پس از مهاجرت بدین شرح بود: ۱,۷ درصد کمتر از لیسانس، ۸,۵ درصد کارشناسی، ۳۵ درصد کارشناسی ارشد، ۴۶,۹ درصد دارای مدرک دکتری و ۷,۳ درصد پست دکترا.

از نظر رشته تحصیلی، ۶۴,۴ درصد نمونه در رشته‌های مهندسی، ۱۷,۵ درصد در رشته‌های علوم پایه، ۹ درصد در رشته‌های علوم انسانی، ۴ درصد در رشته‌های پزشکی و ۴ درصد در سایر رشته‌ها که عمدتاً شامل رشته‌های هنری می‌شدند، مشغول به تحصیل بودند.

وضعیت اشتغال پاسخگویان قبل و بعد از مهاجرت چنین بود: قبل از مهاجرت ۵۲,۵ درصد از افراد نمونه شاغل و ۴۶,۳ درصد بیکار بودند، در حالی که پس از مهاجرت، ۸۰,۲ درصد شاغل

و ۱۸,۶ درصد بیکار بودند. از نظر نوع شغل (بعد از مهاجرت)، ۱۱,۲ درصد از افراد شاغل به تدریس در دانشگاه، ۶۲ درصد به کار پژوهشی و ۲۱,۸ درصد به سایر مشاغل اشتغال داشتند. از نظر وضعیت تاهل قبل و بعد از مهاجرت، ۶۶,۱ درصد از نمونه قبل از مهاجرت مجرد و ۳۲,۲ درصد متاهل بوده‌اند. پس از مهاجرت ۴۸ درصد از افراد نمونه مجرد و ۵۰,۸ درصد متاهل بوده‌اند. از میان متاهلان ۹۴,۴ درصد همسر ایرانی و ۵,۶ درصد همسر غیر ایرانی داشتند. از میان ۱۷۷ نفر افراد نمونه، ۷۱,۸ درصد به صورت مستقل و ۲۶ درصد به صورت خانوادگی مهاجرت کرده‌اند. از این میان ۸۷ درصد به قصد تحصیل، ۲,۸ درصد به قصد کار، ۵,۱ درصد به تبعیت از همسر (بعد از ازدواج) و ۳,۴ درصد به سایر دلایل مهاجرت کرده‌اند. مدت زمان اقامت در کشور مقصد ۷۱,۲ درصد از نمونه ۵-۰ سال، ۲۱ درصد ۶-۱۰ سال، ۱,۱ درصد ۱۱-۱۵ سال و ۵ درصد ۱۶ سال و بیشتر بوده است. از نظر وضعیت اقامت، از میان ۱۷۷ نفر افراد نمونه، ۶۶,۷ درصد دارای ویزا، ۱۹,۸ درصد دارای کارت اقامت و ۱۳,۶ درصد دارای وضعیت شهروندی بوده‌اند.

مقیاس میزان تمایل به بازگشت

برای سنجش این مفهوم، ۴ گویه در نظر گرفته‌ایم که نتایج آن در جدول زیر آمده است. در پاسخ به سوال "قصد دارم در آینده نزدیک به ایران برگردم"، میزان تمایل به بازگشت، بدین شرح است: ۳۱,۴ درصد از افراد نمونه تمایل به بازگشت داشتند (موافق و کاملاً موافق)، ۳۴,۹ درصد در این باره بی‌نظر بودند و ۳۳,۷ درصد هم تمایلی به بازگشت به ایران نداشتند (مخالف و کاملاً مخالف).

جدول (۴): توزیع و درصد پاسخ‌های پنج گزینه‌ای لیکرتی به گویه‌های میزان تمایل به

بازگشت

| گویه‌ها | بسیار موافقم | موافقم | نظری ندارم | مخالفم | بسیار مخالفم | جمع کل |
|---|--------------|--------|------------|--------|--------------|--------|
| قصد دارم / داشتم در همین کشور اقامت دائم بگیرم. | ۲۶,۴ | ۳۶,۲ | ۲۲,۴ | ۹,۲ | ۵,۷ | ۱۰۰ |
| قصد دارم در آینده نزدیک به ایران برگردم. | ۹,۱ | ۲۲,۳ | ۳۴,۹ | ۲۲,۹ | ۱۰,۹ | ۱۰۰ |
| فکر می‌کنم ایرانیان مهاجر تحصیل کرده خارج از کشور تمایل دارند به ایران برگردند. | ۱,۱ | ۱۲,۱ | ۲۴,۷ | ۴۳,۷ | ۱۸,۴ | ۱۰۰ |
| قطعا به ایران بر نمی‌گردم. | ۵,۲ | ۱۱,۶ | ۲۶,۶ | ۲۶,۶ | ۳۰,۱ | ۱۰۰ |

متغیرهای مربوط به جامعه مبدأ

مقیاس شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ (ایران)

برای سنجش این مفهوم ۳ گویه و ۳ سوال چندگزینه‌ای در نظر گرفته‌ایم که آنها را نیز پس از کدگذاری مجدد، به همراه گویه‌ها در ساخت مقیاس آوردیم. در قسمت گویه‌ها، بررسی‌ها نشان داد که در میان گروه بسیار موافق و موافق، ۳۸،۵ درصد، اخبار را بیشتر از منابع خبری داخل ایران دنبال می‌کردند، ۷۷،۷ درصد از پاسخگویان، تا حد زیادی از اخبار مربوط به ایران مطلع بودند و ۴۰،۸ درصد از پاسخگویان، اذعان داشتند که خانواده و دوستان نزدیکشان از آنها می‌خواهند که به ایران برگردند.

نتایج کلی این شاخص بدین شرح است: نزدیک به ۳ درصد افراد نمونه از شبکه ارتباطاتی ضعیفی با ایران برخوردار بودند، ۲۷ درصد در وضعیت متوسطی قرار داشتند و حدود ۵۳ درصد شبکه ارتباطات قوی با ایران داشتند.

مقیاس احساس تعلق ملی و خانوادگی

برای سنجش این مفهوم ۷ گویه در نظر گرفته‌ایم. بررسی‌ها نشان داد، در میان گروه بسیار موافق و موافق، ۳۴،۵ درصد از پاسخگویان بیان کردند که در جمع دوستان و همکاران خارجی، خود را یکی از آنها حس می‌کنند، ۴۱،۴ درصد در هر بار سفر به ایران به بازگشت به ایران فکر می‌کردند، ۸۳،۶ درصد از این که دور از خانواده خود بودند، احساس دلتنگی می‌کردند، ۸۱،۴ درصد از افراد نمونه، آرزو داشتند که خانواده‌شان در کنارشان بودند، ۷۹ درصد با دوستان خارجی خود درباره خوبی‌های ایران صحبت می‌کردند، ۵۳،۱ درصد در جمع خارجی‌ها احساس راحتی می‌کردند و ۱۰،۷ درصد هم به ایرانی بودن خود افتخار می‌کردند.

نتایج کلی این شاخص بدین شرح است: از میان افراد نمونه ۷،۵ درصد احساس تعلق کمی به ایران و به خانواده خود داشتند، ۳۳ درصد حس تعلق متوسط و نزدیک به ۶۰ درصد از حس تعلق بالایی برخوردار بودند.

مقیاس نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ (ایران)

برای سنجش این مفهوم ۷ گویه در نظر گرفته‌ایم. بررسی‌ها نشان داد که در میان گروه بسیار موافق و موافق، ۵۹،۳ درصد از پاسخگویان احساس می‌کردند که پس از بازگشت به ایران شغل مناسب و مرتبط با رشته‌شان را پیدا خواهند کرد، ۷۹،۵ درصد احساس می‌کردند که پس از بازگشت، درآمد مناسب و مطلوب در سطحی که الان دارند را نخواهند داشت، ۵۷،۶ درصد احساس می‌کردند که پس از بازگشت به ایران درباره مسائل شخصی‌شان، مورد سوال قرار خواهند گرفت، ۴۰،۷ درصد احساس می‌کردند که پس از بازگشت به ایران از آنها استقبال می‌شود، ۱۹،۳ درصد از پاسخگویان احتمال می‌دادند که در صورت بازگشت به ایران شغلی در سطح شغل فعلی‌شان پیدا خواهند کرد، ۵،۷ درصد احتمال می‌دادند که در صورت بازگشت، درآمدی در سطح درآمد فعلی‌شان خواهند داشت و ۶۳،۸ درصد از افراد نمونه، اعتقاد داشتند که در صورت بازگشت، مدت زمان زیادی را باید صرف پیدا کردن شغل مناسب بکنند.

در توصیف کلی شاخص نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی کشور مبداء یعنی ایران، ۶۹ درصد از پاسخگویان نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی ایران خوشبین نبودند، ۲۶ درصد بی-نظر بودند و تنها ۵ درصد وضعیت اقتصادی و شغلی در ایران را مطلوب می‌دیدند.

متغیرهای مربوط به جامعه مقصد

مقیاس میزان انطباق‌پذیری اقتصادی

برای سنجش این مفهوم ۶ گویه در نظر گرفته‌ایم. بررسی‌ها نشان داد، که در میان گروه بسیارموافق و موافق، ۷۵ درصد از پاسخگویان از مرتبه شغلی خود راضی بودند، ۵۴ درصد اعتقاد داشتند که در خارج از کشور به هر موقعیت شغلی که بخواهند، می‌توانند دست پیدا کنند، ۷۲،۷ درصد از درآمدشان رضایت داشتند، ۷۴،۲ درصد بیان کردند، امکان پس‌انداز برایشان وجود دارد، ۷۷،۲ درصد بیان کردند، از بیمه خوبی برخوردارند و ۸۴،۱ درصد اذعان داشتند که از خدمات رفاهی خوبی در کشور مقصد برخوردار هستند.

در توصیف کلی شاخص میزان انطباق‌پذیری اقتصادی، ۷۴ درصد از پاسخگویان از انطباق‌پذیری اقتصادی بالایی با جامعه مقصد برخوردار بودند، ۲۴ درصد، در وضعیت متوسطی قرار داشتند و تنها ۱ درصد با جامعه مقصد دارای انطباق اقتصادی نبودند.

مقیاس میزان انطباق‌پذیری اجتماعی

برای سنجش این مفهوم ۵ گویه در نظر گرفته‌ایم. بررسی‌ها نشان داد که در میان گروه بسیارموافق و موافق، ۱۰،۲ درصد از پاسخگویان اعتقاد داشتند که دوستان خارجی بهتر از دوستان ایرانی هستند، ۷۳،۹ درصد، تعداد دوستان ایرانی‌شان بیشتر از تعداد دوستان خارجی‌شان بود، ۳۹،۲ درصد، اذعان داشتند که گرفتن تابعیت کشور مقصد، آرزوی آنهاست، یا بوده است، ۴۹،۸ درصد از افراد نمونه احساس می‌کردند، که از نظر رتبه اجتماعی در خارج از کشور ترقی کرده‌اند و ۱۵،۹ درصد فکر می‌کردند که در صورت بازگشت به ایران، از دید ایرانی‌ها یک شکست خورده تلقی می‌شوند.

نتایج کلی شاخص ساخته شده، بدین شرح است: در توصیف کلی شاخص میزان انطباق‌پذیری اجتماعی با جامعه مقصد، ۳۳ درصد از افراد نمونه، انطباق اجتماعی کمی با جامعه مقصد داشتند، ۵۰ درصد در وضعیت متوسطی قرار داشتند و نزدیک به ۱۷ درصد، انطباق اجتماعی بالایی با جامعه مقصد داشتند.

مقیاس میزان انطباق‌پذیری فرهنگی

برای سنجش این مفهوم ۱۱ گویه در نظر گرفته‌ایم. بررسی‌ها نشان داد که در میان گروه بسیارموافق و موافق، ۴۵،۲ درصد از پاسخگویان در انجمن‌های فرهنگی - اجتماعی جامعه مقصد عضو بودند، ۵۷،۱ درصد بیان کردند که فرزندشان را به مهدکودک یا مدرسه خارجی می‌فرستند/ خواهند فرستاد، ۷۶،۶ درصد اعتقاد داشتند، خارجی‌ها انسان‌های خوب و شریفی هستند، ۶۶،۱ درصد فکر می‌کردند که خارجی‌ها آداب و رسوم خوب و جالبی دارند، ۹۲ درصد از افراد نمونه

مناسبت‌های ملی ایرانی را با اعضای خانواده یا دوستان خود در خارج از کشور جشن می‌گرفتند، ۵۳،۷ درصد از افراد نمونه، مناسبت‌های مذهبی مثل ماه رمضان، ایام محرم و ... را در کشور مقصد برگزار می‌کردند، ۶۵،۱ درصد بیان کردند که تا حد خوبی با تاریخ کشور مقصد، آشنایی دارند، ۶۲،۳ درصد دوست داشتند که در مراسم آنها (خارجی‌ها) شرکت کنند، ۳۴،۳ درصد به هنگام شرکت در مراسم آنها، فکر می‌کردند که جزئی از آنها هستند، ۹۳،۲ درصد از پاسخگویان به زبان کشور مقصد تسلط داشتند و ۴۸ درصد از آنها بیان داشتند که در هیچ موقعیتی در روابطشان با خارجی‌ها با مشکل زبان مواجه نشده‌اند.

نتایج کلی شاخص ساخته شده، بدین شرح است: حدود ۳۸ درصد از پاسخگویان، انطباق‌پذیری کمی از لحاظ فرهنگی با جامعه مقصد داشتند، ۵۶ درصد در حد متوسطی قرار داشتند و تنها ۶ درصد خود را از نظر فرهنگی با جامعه مقصد منطبق حس می‌کردند.

همانطور که در جدول ۵، مشاهده می‌شود، متغیرهای اجتماعی مستقلی که به صورت شاخص درآمدی، یعنی متغیرهای شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ (ایران)، نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ، حس تعلق خانوادگی و ملی، میزان انطباق‌پذیری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با متغیر وابسته رابطه دارند. این موضوع از معنادار بودن مقدار آزمون برای همه متغیرهای مستقل مشخص می‌شود. برای سنجش روابط متغیرهای مستقلی که به صورت شاخص درآمدی بودند، با متغیر وابسته پژوهش از آزمون پیرسون استفاده شده است، که میزان این رابطه‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول (۵): نتایج آزمون سنجش میزان رابطه بین متغیرهای مستقل اجتماعی پژوهش با متغیر وابسته (میزان تمایل به بازرگانی)

| متغیرها | مقدار همبستگی اسپیرمن | سطح معنی داری |
|---|-----------------------|---------------|
| شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ (ایران) | ۰,۱۹۷** | ۰,۰۰۰ |
| حس تعلق ملی و خانوادگی | ۰,۵۶۲** | ۰,۰۰۰ |
| نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ | ۰,۳۰۲** | ۰,۰۰۰ |
| انطباق‌پذیری اقتصادی | ۰,۲۸۶** | ۰,۰۰۰ |
| انطباق‌پذیری اجتماعی | ۰,۶۲۹** | ۰,۰۰۰ |
| انطباق‌پذیری فرهنگی | ۰,۵۲۶** | ۰,۰۰۰ |

نتایج آزمون‌های همبستگی، میان متغیرهای مستقل اجتماعی و متغیر وابسته، نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل پژوهش، بیشترین میزان رابطه با متغیر میزان تمایل به بازرگانی را متغیر میزان انطباق‌پذیری اجتماعی دارد (۰,۶۲۹). پس از آن به ترتیب، متغیرهای حس تعلق ملی و خانوادگی (۰,۵۶۲)، انطباق‌پذیری فرهنگی (۰,۵۲۶)، نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ (۰,۳۰۱)، انطباق‌پذیری اقتصادی (۰,۲۸۶) و در آخر شبکه

ارتباطی با جامعه مبدأ (ایران) (۰,۱۹۷) بیشترین میزان ارتباط با متغیر وابسته (میزان تمایل به بازگشت) را دارا هستند.

پس از انجام آزمون‌های پیوستگی، متغیرهایی که با یکدیگر پیوستگی نسبتاً بالایی داشتند، برای سنجش علی بودن رابطه‌شان با متغیر وابسته تحقیق، به آزمون‌های رگرسیون وارد شدند که نتایج آن در جداول شماره ۶ و ۷ آورده شده است.

جدول (۶): نتایج آزمون رگرسیون خطی چند متغیره بین متغیرهای مستقل شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ (ایران)، حس تعلق، نگرش اقتصادی، میزان انطباق پذیری اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی و متغیر وابسته میزان تمایل به بازگشت

| ضرب همبستگی R | ضرب تعیین تعدیل شده | خطای استاندارد برآورد | مقدار F | سطح معنی‌داری F | رگرسیون چندمتغیره |
|---------------|---------------------|-----------------------|---------|-----------------|-------------------|
| ۰,۷۶۰ | ۰,۵۵۸ | ۰,۶۷۰۰۷ | ۳۰,۶۹۶ | ۰,۰۰۰ | |

بر طبق نتایجی که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، مقدار ضریب همبستگی R بین متغیرها ۰,۷۶۰ می‌باشد، که نشان می‌دهد، بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق (میزان تمایل به بازگشت)، همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده، که برابر با ۰,۵۵۸ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۵۶ درصد از کل تغییرات میزان تمایل به بازگشت مهاجران ایرانی در حال تحصیل در آمریکا و کانادا وابسته به شش متغیر مستقل ذکر شده در این معادله می‌باشد. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل، بیش از نیمی از واریانس متغیر تمایل به بازگشت را پیش‌بینی (برآورد) می‌کنند.

با توجه به معنی‌داری آزمون F (۳۰,۶۹۶) در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۱، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق، مرکب از این شش متغیر مستقل و یک متغیر وابسته مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند، تغییرات میزان تمایل به بازگشت را تبیین کنند.

در جدول شماره ۷، نتایج مربوط به میزان تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیون و همچنین میزان همبستگی میان آنها را نشان می‌دهد. بر طبق اطلاعات آورده شده در این جدول، به دلیل این که سطح خطا کمتر از ۰,۰۱ است، نشان می‌دهد که هر شش متغیر مستقل بر متغیر تمایل به بازگشت، تاثیر داشته‌اند. این شش متغیر به ترتیب با ضریب رگرسیونی ۰,۴۳۷، ۰,۳۰۵، ۰,۱۱۷، ۰,۰۸۵، ۰,۰۷۹ و ۰,۰۰۷ بالاترین میزان تاثیر رگرسیونی را بر روی متغیر وابسته تحقیق داشته‌اند.

جدول (۷): میزان تاثیر هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش

(میزان تمایل به بازگشت)

| متغیر مستقل | ضریب رگرسیونی استاندارد شده (ضریب بتا) | سطح معناداری | ضریب همبستگی مرتبه صفر | ضریب همبستگی تفکیکی / جزئی | ضریب همبستگی نیمه تفکیکی |
|---|--|--------------|------------------------|----------------------------|--------------------------|
| شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ | ۰,۰۷۹ | ۰,۱۷۲ | ۰,۱۹۱ | ۰,۱۱۷ | ۰,۰۷۷ |
| حس تعلق ملی و خانوادگی | ۰,۳۰۵ | ۰,۰۰۰ | ۰,۵۹۹ | ۰,۳۵۹ | ۰,۲۵۰ |
| نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدا | ۰,۱۱۷ | ۰,۰۵۵ | ۰,۳۱۵ | ۰,۱۶۴ | ۰,۱۰۸ |
| میزان انطباق پذیری اجتماعی | ۰,۴۳۷ | ۰,۰۰۰ | ۰,۶۹۱ | ۰,۴۳۵ | ۰,۳۱۴ |
| میزان انطباق پذیری اقتصادی | ۰,۰۰۷ | ۰,۹۰۷ | ۰,۲۹۵ | ۰,۰۱۰ | ۰,۰۰۷ |
| میزان انطباق پذیری فرهنگی | ۰,۰۸۵ | ۰,۲۵۱ | ۰,۵۰۰ | ۰,۰۹۹ | ۰,۰۶۵ |

گروه‌بندی نمره تمایل به بازگشت براساس طبقات انطباق اجتماعی و حس تعلق ملی و خانوادگی

جدول ۸، مقدار همبستگی میانگین متغیر وابسته پژوهش را با دو متغیری که بیشترین نقش را در تبیین واریانس آن داشتند، نشان می‌دهد. مقدار بالای آماره اتا، در اینجا نشان می‌دهد که اثر دو متغیر حس تعلق و انطباق‌پذیری اجتماعی، بر روی متغیر میزان تمایل به بازگشت زیاد است.

جدول (۸): میزان همبستگی میانگین متغیر تمایل به بازگشت با متغیرهای مستقل حس تعلق ملی و خانوادگی و میزان انطباق‌پذیری اجتماعی

| متغیر | مقدار آماره اتا | اتا اسکوتر |
|------------------------|-----------------|------------|
| حس تعلق ملی و خانوادگی | ۰,۹۷۵ | ۰,۹۵۰ |
| انطباق‌پذیری اجتماعی | ۰,۸۷۷ | ۰,۷۶۸ |

بحث و نتیجه گیری

در بخش تحلیل یافته‌های پژوهش بر طبق مدل تحقیق، ابتدا میان تمام متغیرهای مستقل خود با متغیر وابسته، یعنی میزان تمایل به بازگشت، آزمون همبستگی گرفتیم، تا وجود جهت و شدت رابطه را مشخص کنیم. در ادامه به انجام آزمون رگرسیون چند متغیره رو آوردیم تا درصد پیش‌بینی و برآورد متغیر وابسته خود را به وسیله متغیرهای مستقل پژوهش دریابیم. نتایج این اقدامات به صورت مجمل بدین شرح بود:

در بخش متغیرهای اجتماعی که به صورت گویه‌هایی در طیف لیکرت در پرسش‌نامه محقق‌ساخته، طراحی شده بودند، نتایج مورد قبولی به دست آمد. از میان این متغیرهای مستقل، متغیر میزان انطباق‌پذیری اجتماعی بیشترین میزان همبستگی (۰,۵۷۵) را با متغیر وابسته میزان تمایل به بازگشت، داشت و پس از آن به ترتیب متغیر حس تعلق ملی و خانوادگی (۰,۵۶۷)، میزان انطباق‌پذیری فرهنگی (۰,۴۳۵)، شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ (ایران) (۰,۴۲۹)، نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ (۰,۲۸۴) و میزان انطباق‌پذیری اقتصادی (۰,۲۸۴)، بیشترین میزان همبستگی را با متغیر میزان تمایل به بازگشت دارا بودند.

این شش متغیر مستقل در مجموع ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (میزان تمایل به بازگشت) را تبیین می‌کنند. بیشترین سهم در این تبیین و پیش‌بینی را متغیر میزان انطباق‌پذیری اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰,۳۸۳ دارد و پس از آن به ترتیب متغیرهای حس تعلق ملی و خانوادگی (۰,۳۲۲)، شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ (۰,۲۰۵)، نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی و شغلی کشور مبدأ (۰,۰۹۷)، میزان انطباق‌پذیری فرهنگی (۰,۰۲۹) و در آخر میزان انطباق‌پذیری اقتصادی (۰,۰۱۵) بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته پژوهش دارا می‌باشند. یافته‌های پژوهش، نشان دادند که در میان متغیرهای مربوط به جامعه مبدأ و مقصد، تمام فرضیات مربوط به آنها تایید شدند. بیشترین تایید، از آن فرضیه‌هایی شد که بیانگر وجود رابطه میان متغیر میزان انطباق‌پذیری اجتماعی و حس تعلق ملی و خانوادگی با متغیر میزان تمایل به بازگشت شده بودند.

این بدان معنی است که آنچه که بر میزان تمایل به بازگشت ایرانیان در حال تحصیل، در آمریکا و کانادا بیشترین تاثیر را می‌گذارد، میزان انطباق‌پذیری اجتماعی فرد مهاجر با جامعه مقصد است و همچنین میزان تعلق ملی و خانوادگی فرد. به عبارت دیگر، بر طبق یافته‌های پژوهش هرچه میزان انطباق‌پذیری اجتماعی فرد با جامعه مقصد بیشتر باشد و هر چه حس تعلق فرد به کشور و خانواده‌اش بیشتر باشد، میزان تمایل او به بازگشت بیشتر خواهد بود.

پس از آن، شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ (ایران) و میزان انطباق‌پذیری فرهنگی وی بیشترین تاثیر را بر روی میزان تمایل وی به بازگشت به ایران دارند. به عبارت دیگر، هرچه شبکه ارتباطی با جامعه مبدأ (ایران)، قوی‌تر باشد و هرچه میزان انطباق‌پذیری فرهنگی‌اش با جامعه مقصد، کمتر باشد (جهت رابطه منفی است)، میزان تمایل وی به بازگشت بیشتر است.

منابع:

- آل یاسین، امیرحسین و همکاران (۱۳۹۳)، انگیزه‌ها و موانع بازگشت به ایران؛ وبلاگ (<http://bazgasht.info/index.php>)
- ترابی، سید محمد (۱۳۹۳)، تاثیرگذاری مهاجران در کشورهای محل اقامت، گزارش اولین هم اندیشی اندیشه مهاجرت در ذهنیت ایرانی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- جمشیدی‌ها، علیرضا و یحیی علی بابایی (۱۳۸۱)، بررسی عوامل موثر بر بازگشت مهاجران افغانی با تاکید بر ساکنان شهرک گلشهر مشهد، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰
- حبیب پور، کرم و رضا صفری (۱۳۸۸)، راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی، نشر لویه، تهران
- دواس، دی. ای. د (۱۳۸۹)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، نشر نی
- فروزنده تبریزی، نسترن (۱۳۹۲)، سنجش میزان انطباق پذیری فرهنگی-اجتماعی مهاجران ایرانی جامعه مقصد (مطالعه موردی: ایرانیان مهاجر ساکن شهر وین کشور اتریش)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۳۹۳)، گزارش اولین هم اندیشی اندیشه مهاجرت در ذهنیت ایرانی
- عبدالله پور، انور (۱۳۹۲)، بررسی میزان تمایل به بازگشت مهاجران عراقی به عراق و عوامل مرتبط با آن در شهرستان پیرانشهر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی
- مشفق، محمود، حسینی، قربان (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت جمعیتی مهاجران ایرانی در کشورهای منتخب دنیا، طرح پژوهشی، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
- Arowolo, O. O. (2000) "Return Migration and the Problem of Reintegration", *International Migration*, Vol. 38, Issue 5, pp: 59-82.
- Cassarino, J. P. (2004) "Theorizing Return Migration: The Conceptual Approach to Return Migrants Revisited", *International Journal on multicultural societies (IJMS)*, Vol. 6, No.2.
- Cohen, N, Tamar A, (2011) "Field Research in Conflict Environments: Methodologies and Snowball Sampling", *Journal of Peace Research*, pp: 48: 423.
- Haas de, H and Fokkema, T (2011) "The Effects of Integration Transnational Ties on International Return Migration Intentions", *Demographic Research*, pp: 755-782.
- KING, R., ed. 1986. *Return Migration and Regional Economic Problems*. London:

- Kritz, M. M. (2007) "International migration" In G. Ritzer, "The Black Well Encyclopedia of Sociology, Vol. 5", Oxford University, black well publishing.
- Lang, T (2012) "Comparative Report on Re-Migration Trends in Central Europe", Leibniz Institute for Regional Geography
- Lang, T., Hämmerling, A., Keil, J., Nadler, R., Schmidt, A., Haunstein, S., & Smoliner, S. (2012). Re-turn migrant survey report: The migrants' potential and expectations. Leibniz Institute for Regional Geography (IfL).
- Lindstrom, D, (1996) "Economic Opportunity in Mexico and Return Migration from the United States", Demography, Vol. 33. Revision 1, Statistical Papers, Series M, No. 58, New York.
- Reynolds, T (2010) "Transnational Family Relationships, Social Networks and Return Migration among British-Caribbean Young People, Ethnic and Ritual Studies", Vol. 33, Issue 5.
- SOPEMI (2008): International Migration Outlook 2008. Paris: OECD.
- United Nations. Statistical Office. (1980). Recommendations on statistics of international migration (No. 58).
- UN.Zong, L, Schissel, B, (2009) "To Stay or Return: Migration Intentions of Students from People's Republic of China in Saskatchewan, Canada", Journal of International Migration and Integration, Vol. 10, Issue 3.